

شبهات فرزند آوری با توجه به زندگانی حضرت زهرا(س)

ایجاد انگیزه

پیامبر خدا وارد منزل دخترشان، حضرت زهرا(س) شدند و بعد از سلام و احوالپرسی، به پاره تنشان فرمودند: دختر عزیزم: «من در بدن خود احساس ضعف می کنم!»^۱ - گویا این ضعف همراه با حالت لرزیدن هم بود- بنابراین درخواست یک روانداز برای خود کردند و به دختر دلبندهشان گفتند: «آن عبا یمنی را برایم بیاور.»^۲ فاطمه به سرعت اینکار را انجام داد و عبا را بر روی دوش پدر انداخت. این فرصت بسیار مناسبی بود تا چهره نورانی پدر را از نزدیک نگاه کند؛ او چشم به صورت پدر دوخت و روی نورانی او را که مانند ماه شب چهارده در آسمان جلوه گری میکرد، ژرف نگریست. در این هنگام بود که فرزند ارشد حضرت زهرا(س) امام حسن(ع) که در سنین طفولیت بود وارد شد. مادر ورود فرزندش را اینگونه نقل می کند:

«فَمَا كَانَتْ إِلَّا سَاعَةً وَإِذَا بَوَّلِدِي الْحَسَنَ قَدْ قَبِلَ وَقَالَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أُمًّا فَقُلْتُ وَعَلَيْكَ السَّلَامُ يَا قُرَّةَ عَيْنِي وَتَمَرَةً فُوَادِي^۳ پس لحظاتی نگذشت که دیدم فرزندم حسن وارد شد و گفت سلام بر تو ای مادر، گفتم: بر تو باد سلام ای نور دیده ام.»

حسن بوی خوشی را استشمام کرد و از مادرش از منشاء آن بو سوال کرد و مادر او را به حضور پدر بزرگش بشارت داد، حسن که گویا نوید بسیار بزرگی شنیده بود خود را به کنار جدش رساند و سلامی عرضه داشت و جواب بسیار نیکویی شنید:

«وَقَالَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا جَدَّاهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَتَأْذَنُ لِي أَنْ أَدْخُلَ مَعَكَ تَحْتَ الْكِسَاءِ فَقَالَ وَعَلَيْكَ السَّلَامُ يَا وَدِي وَيَا صَاحِبَ حَوْضِي قَدْ أَذِنْتُ لَكَ^۴ و گفت: سلام بر تو ای جد بزرگوار ای رسول خدا آیا به من اذن می

^۱ حدیث شریف کساء (انی اجد فی بدنی ضعفاً)

^۲ همان (ایتنی بالکساء الیمنی)

^۳ همان

^۴ همان

دهی که وارد شوم با تو در زیر کساء؟ فرمود: بر تو باد سلام ای فرزندم و ای صاحب حوض من پس من اذنت دادم.» این ماجرا در مورد امام حسین نیز تکرار شد.

طرح بحث

یکی از جلوه های بسیار زیبایی که در این برش روایی و تاریخی از زندگی حضرت زهرا(س) برای هر انسان سلیم النفسی امکان جلوه دارد، نگرش بسیار زیبای حضرت فاطمه(س) و پدر بزرگوارشان(ع) نسبت به فرزندان خود می باشد. با توجه به آنکه می دانیم معصوم(ع) از روی هوا و هوس صحبت نمی کند و قول و فعلشان برای ما درس می باشد و حالت الگو بودن را دارد، بنابراین وقتی فرزند خود را «نور دیده» و «میوه قلب خود» عنوان می کند، یک حقیقت بسیار مهم را برای ما به عنوان محبین و دوستان اهل بیت بیان می کند و آن هم این مطلب است که از مهمترین ثمرات و میوه های حیات طیبه حضرات معصوم(ع) بخصوص مادر سادات، فرزندان ایشان می باشد.

چند سوال مهم

تا به حال ما از خودمان چنین سوالی کرده ایم که مهمترین ثمره زندگی ما چیست؟ ما چه نگرشی نسبت به فرزندان خود داریم؟ آیا فرزند آوری و پرورش فرزندان که به آنها افتخار کنیم در اولویتهای زندگی ما هست؟ هان ای جوانی که در مجلس حضور داری! دختر و پسر دم بختی که صحبتهای مرا می شنوید! آیا با شنیدن و فکر کردن به فرزند قلبتان سرشار از شادی می شود یا اینکه تازه یاد غمهای خود می افتید؟ زوجهایی که تازه ازدواج کرده اید یا در شرف ازدواج هستید! آیا فرزند را مایه چشم روشنی و روشنایی چشم و دیده می دانید؟ یا اینکه آن را مانع لذت جویی خود در سالهای اول زندگی دانسته و به او به چشم مزاحم نگاه می کنید؟ شمایی که فرزند دارید! آیا دوست دارید تجربه خود را تکرار کنید یا اینکه همین فرزندان که دارید برای هفت پشتتان بس است؟! جامعه ما چه دیدی نسبت به مساله فرزند و فرزند آوری دارد؟ مسئولین بزرگواراری که تصمیمات شما در زندگی مردم تاثیر مستقیم و غیر مستقیم دارد! شما برای دادن این نشاط و فرزند آوری بدون دغدغه برای این ملت چه کرده اید؟

اجازه بدهید به متن جامعه رفته و این سوالات را پرسیده و جوابهای برخی از افراد را بشنویم:

سوال مشخص ما این است: نظر شما در مورد فرزند آوری در شرایط فعلی چیست؟ آیا شما در صورت امکان، اقدام به این عمل می کنید؟

جوابها را به دو قسمت کلی می توان تقسیم کرد:

۱- عده ای که اصل فرزند آوری را انکار کرده و اصلاً تمایلی برای این کار ندارند. فعلاً کاری به دلایل

این افراد نداریم. هر چند پاسخ این افراد را هم خواهیم داد. (در اینجا میسور فقط سوال گروه دوم را

مطرح کرد و به جواب هم که بعداً می آید نپرداخت)

۲- عده بسیار زیاد دیگری که فرزند می خواهند ولی ممکن است آن را منوط به شرایط خاصی بدانند

که بحث ما نیز در مورد دلایل این افراد و بررسی این موارد در زندگی حضرت زهرا(س) است.

میخواهیم بررسی کنیم که آیا دلایل اینها با سیره و روش زندگی حضرت زهرا مورد تایید قرار می

گیرد یا اینکه ما باید در تفکر و راهی که در پیش گرفته ایم تجدید نظر کنیم؟

پاسخ به دسته اول (مخالفین با اصل فرزند آوری)

در جواب گروه اول که به طور کلی با فرزند آوری مخالف بودند و تمایل و گرایشی به داشتن

فرزند نداشتند، می شود گفت: که این تفکر قطعاً با سیره زندگی حضرت زهرا(س) در تضاد است.

چون حضرت در طول عمر کوتاه خود ۴ فرزند را به جامعه اسلامی تقدیم کردند و یک فرزند

ایشان نیز در دوران قبل از وضع حمل به دلیل اتفاقاتی که افتاد به شهادت رسید. دلیل عقلی که در

جواب این دسته از افراد می توان بیان داشت این است که: انسان فطرتاً تمایل به بقا خود با ادامه

نسل دارد و افرادی که بچه دار نمی شود در گوشه و کنار دنیا برای فرزند دار شدن از علم روز و

طب سنتی و ادعیه کمک می گیرند. حتی برخی از روان شناسان فمینیست بچه دار شدن را امتیاز

زنان می دانند. افرادی هم که بچه دار نمی شوند و از باروری نا امید می شوند فرزندخوانده قبول

می کنند بنابراین برای گرایش به داشتن فرزند نیاز به ادله نیست.

دلایل افراد برای تاخیر در فرزند آوری یا تعداد فرزندان کمتر

الف: شرایط اقتصادی

خیلی از افراد برای فرزند آوری صحبت از شرایط اقتصادی و مشکلات موجود در کشور - به خصوص در

سالیان اخیر که مساله تحریمها هم زیاد شده است- می کنند. آنها این طور عنوان می کنند که بالاخره فرزند

آوری بدون هزینه نمی شود، امکاناتی مانند مسکن، هزینه های تولد، هزینه های بعد تولد، هزینه پوشک!

هزینه های تحصیل، هزینه های در خواستهای کودکان، بحث ازدواج و همه اینها خودش کم نیست و کمتر آدمی در شرایط فعلی از پس این مسائل بر می آید: با خانه اجاره ای که نمی شود فرزند زیاد داشت؛ تازه هر جا می رویم که خانه بگیریم اول سوالی که از ما میشود این است: چند تا بچه داری؟ اکثر صاحبخانه ها هم، یا دنبال زوجهای جوان تازه ازدواج کرده میگردند و یا اینکه نهایتاً یک فرزند و خیلی دست بالا دو فرزند را قبول می کنند. با وضعیتی که خانه های شهری دارند و خیلی از افراد مجبورند در فضای کوچکی زندگی کنند بالاخره باید جایی برای نفس کشیدن هم باشد؟ تازه از دوران بچگی صرف نظر کنیم، دو روز دیگر که بچه ها بزرگ میشوند و جست و خیز می کنند به نظر شما در یک قوطی کبریت می توان فرزندان را بزرگ کرد، همه آنها که بیش از یک فرزند دارند از شیطونی و ورجه و ورجه بچه ها می نالند و عنوان می کنند که خیلی اذیت می شویم و به قول امروزیها پدرمان در می آید. و از این نوع مسائل و موارد که ریشه همه آنها به مسائل اقتصادی بر می گردد. به این معنی که اگر وضعمان خوب بود، اگر ما هم مثل بعضی از مسئولین در آمد سرشار و نجومی داشتیم، ما هم اگر خانه بزرگ و ویلایی داشتیم، ما هم اگر حساب بانکی پر و پیمانی داشتیم، ما هم اگر وضع پدر و مادرمان توپ بود و حتماً اقدام به فرزند آوری می کردیم.

پاسخ به دسته دوم افراد (که شبهاتی در این مورد داشتند).

بها نه های اقتصادی

افرادی که بهانه های اقتصادی دارند از نظر قرآن می توان به دو دسته تقسیم کرد: الف) افرادی که واقعاً فقیرند ب) افرادی که فقیر نیستند ولی ترس فقر دارند. در قرآن ما آیاتی در مورد قتل اولاد داریم که شاید به نوعی به بحث قتل اولاد و بحث سقط جنین مربوط می باشند؛ اگر اطلاق آیات مربوطه را بپذیریم حتی می توان مدلول این آیات را به بحث پیشگیری هم سرایت داد. البته اگر این کار را هم نخواهیم بکنیم میتوانیم از تعلیلی که قرآن به این افراد نسبت داده و از دلایلی که خود خداوند برای جلوگیری از کار این (فرزند دار نشدن افراد) اقامه کرده، می توانیم برای بحث خودمان استفاده کنیم.

خداوند در سوره مبارکه انعام آیه ۱۵۱ می فرماید:

« وَ لَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ مِنْ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُكُمْ وَ إِيَّاهُمْ » ﴿الأنعام، 151﴾

و فرزندانتان را از تنگدستی نکشید، ما شما و آنان را روزی می دهیم.

در این آیه صحبت خداوند با کسانی است که واقعاً در گیر فقرند؛ زیرا بیان می کند که فرزندان را به خاطر املاق یا همان تنگدستی نکشید. گویی این افراد که به نوعی نمی توانند از پس مخارج خود بر بیایند یا اقدام به فرزند آوری نکرده و یا اینکه ممکن است دچار سقط جنین عمدی شوند. خداوند به این دسته از افراد خطاب می کند که ما شما را روزی می دهیم علاوه بر آن فرزندان شما را هم روزی می دهیم.

و در آیه ۳۱ سوره اسراء نیز می فرماید:

«وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ خَشْيَةَ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَإِيَّاكُمْ إِنَّ قَتْلَهُمْ كَانَ خِطْأً كَبِيراً ﴿الْإِسْرَاءِ، ۳۱﴾»

فرزندانتان را از بیم تنگدستی نکشید؛ ما به آنان و شما روزی می دهیم، یقیناً کشتن آنان گناهی بزرگ است.»

در این آیه شریفه گویی روی سخن با کسانی است که ترس فقر را دارند زیرا ظاهر آیه شریفه لفظ ترس فقر را بیان کرده است. (خَشْيَةَ إِمْلَاقٍ) این افراد نگرانی از زندگی فعلی خود ندارند ولی از این می ترسند که اگر فرزندان داشته باشند نتوانند از پس مخارج آنها بر آیند. البته این ترس شاید به نوعی ترس عقلایی هم به حساب آید برای همین است که خداوند این افراد را مورد خطاب قرار داده و با بیان اینکه ما هم رزق آنها و شما را می دهیم به نوعی در صدد بر طرف کردن نگرانی این افراد در مورد ارتزاق فرزندان آنها می باشد.

ب: بچه به عنوان مزاحم و مانع از لذت جویی پدر و مادر

این مورد را زوجهای جوان بهتر درک می کنند. خوب بالاخره اول زندگی است و تازه زندگی را شروع کردیم، مگر چند سال دوران جوانی ما طول میکشد؟ از اول زندگی اگر فکر بچه باشیم پس کی از همدیگر لذت ببریم؟ بعد از سختیهای بسیار زیاد و مخارج کمر شکن مراسم عروسی، میخواهیم نفسی تازه کنیم. تو رو خدا اینقدر به ما جوانها گیر ندهید! مگر روایت نقل نمی کنید: «قله العیال احد الیسارین^۵ - کمی اهل و عیال یکی از راحتیها و آسودگیهاست».

ج: مناسبت نداشتن فرزندآوری با برخی شوون اجتماعی

به برکت آزادیهایی که برای زنان ایجاد شده و فرصتهای نسبتاً برابری که برای حضور بانوان در عرصه های مختلف اجتماعی - از عرصه اقتصاد و علم گرفته تا عرصه هنر و سیاست و ... - زنان زیادی در این

^۵ نهج البلاغه صبحی صالح، ص ۴۹۵، انتشارات دارالهجرة، ۱۴۱۴ه.ق

عرصه‌ها حضور دارند و داشتن این مناسبات مختلف، نوعاً و معمولاً با فرزند آوری در تضاد است. به عبارتی زنی که در یکی از این مناصب مشغول می‌باشد، بالاخره برای خود اعتباری دست و پا کرده و داشتن فرزند ممکن است لطمه‌ای به این موقعیت زده و شأن و منزلت اجتماعی او را دچار خدشه کند. شما نیز از چنین زنانی نباید انتظار داشته باشید مادامی که در این موقعیت می‌باشند خیلی برای مساله فرزند آوری اهمیت قائل شوند.

ه: سایر دلایل

با گشت و گذاری در بین مردم و در فضای مجازی این موارد نیز به گوش می‌خورد:

اگر آگاهی و علم فرزند پروری ندارید یک موجود دیگر را بدبخت نکنید، مگر خودتان کم از دست تربیت نادرست پدر و مادر هایتان کشیده اید که حالا باز تصمیم گرفته اید که یک نفر دیگر را به همین روش بیچاره کنید؟

اگر فکر درست کردن عصای پیری هستید و می‌خواهید در سایه عزیزانتان آسایش داشته باشید و در هنگام پیری فرزندتان از شما دستگیری کند فکر بچه دار شدن را از کله مبارک بیرون ببرید. واقعاً کمیت چه اهمیتی دارد؟ باید به فکر کیفیت باشیم. مگه قرار است جوجه کشی راه بیندازیم؟

حالا چه کسی گفته که فرزند آوری رجحانی هم دارد بله اگر شما فرزند بیاوری و بتوانی او را خوب تربیت کنی و مشکلی هم پیش نیاید شاید بشود گفت که ثوابی هم گيرت می‌آید. یعنی بخاطر اینکه ما ثوابی کنیم یک نفر دیگر را بزور به این دنیا بیاوریم فکر نمی‌کنید این خیلی خودخواهی باشد؟

این دلایل معمولاً بیشترین مواردی است که خیلی افراد برای بحث فرزند آوری و فرار از این مسوولیت خطیر عنوان می‌کنند.

ریشه اصلی این نوع شبهات

به نظر میرسد اولین مشکلی که خیلی از افراد در بحث رزق و روزی با آن دست به گریبان می‌شوند مشکل اعتقادی است. گویا به نوعی در حوزه بینشی خود فقط خدا را تنها روزی رسان ندیده و برای خودشان نیز سهمی از رازقیت در نظر دارند. به زبان ساده تر، مهمترین اصل اعتقادی ما مسلمانان، توحید است. بهترین ترجمه «توحید» در زبان فارسی کلمه «فقط» است. وقتی می‌گوییم خداوند توحید در رازقیت دارد، یعنی «خدا فقط رازق است». در نتیجه هیچکس غیر خدا از خدا رازق نیست. پس اگر من نیز برای خودم سهمی

از رازقیت در نظر داشته باشم، قطعاً دچار شرک شده ام. خداوند در قرآن در جاهای مختلف عبارت «ما رزقناکم» و یا «مما رزقناکم» آورده است و تمام داشته های افراد را رزق خود به حساب می آورد. در نتیجه می توان گفت که اعتقاد به روزی دهندگی مطلق خداوند باعث حکومت یک نظام ارزشی، بر رفتار انسان خواهد شد که به خود اجازه نخواهد داد در محدوده تقدیر الهی، در محدوده رازقیت دخالتی داشته باشد و اگر عقل معاش او حکمی مخالف این صادر کرد که تضادی با این اعتقاد داشته باشد آن را نخواهد پذیرفت. چنین انسانی که خداوند را در رأس همه امور می بیند و تنها به او اعتقاد دارد و جوانه توحید در درون قلبش بارور گشته به این راحتی در مورد هجمه های اعتقادی و این سخنان کمر خم نخواهد کرد. بلکه بر اساس اعتقاد صحیح و با استفاده از توکل و استفاده از امکانات خدادادی پای در مسیری خواهد گذاشت که رضایت خداوند در آن خواهد بود. این همان مسیری است که اهل بیت نیز ما را بدان راهنمایی می کنند. دقت در صفاتی مانند ربوبیت، قیومیت، خالقیت، رازقیت، عدالت، مالکیت خداوند و یگانه دانستن خدا در این صفات و باور آن راهی جدید پیش روی ما باز خواهد کرد.

نگاه سرمایه مدارانه به فرزند

نکته دیگری که باید به این اشخاص بیان کرد که در مسائل اقتصادی شما باید یک محاسبه دقیق داشته باشید و حساب هزینه فایده را نیز بکنید. دقیقاً، تفاوت یک تاجر موفق و دوراندیش با یک ذهن کاسب پیشه لحظه گراست در همین جاست که افقهای دور را هم می بیند و به یک سرمایه گذاری پایدار می اندیشد و شرایط مختلف را بررسی می کند ولی ذهن منفعت گرای آنی فقط پیش پای خود را می بیند.

هر دو به منافع می اندیشند ولی یکی در کوتاه مدت و دیگری در افق کلان و دراز مدت هر چند که نیم نگاهی هم به وضعیت حال دارند. در بحث فرزند آوری دقیقاً این مطلب و این دو نوع طرز تفکر جاری است. انسانهای دور اندیش به فرزندان به دید سرمایه نگاه کرده و بزرگترین سرمایه را نیروی انسانی می پندارند. آنها نیک می دانند که هر پیشرفتی بدون ملاحظه نیروی انسانی، پیشرفتی عقیم و ناپایدار و حتی خسارت بار خواهد بود. در زندگی اهل بیت و خصوصاً حضرت زهرا(س) نیز چنین دیدگاهی موج میزند. آنچه که در طلعه سخن ذکر گردید، شاهد خوبی بر این مدعا است. عباراتی مانند نور چشم و میوه دل آن هم از زبان معصوم(ع) که نمی توان آن را صرف بیان احساسات در لحظه، حساب کرد، این معنا را به ذهن می آورد که ثمره و حاصل و میوه واقعی زندگی دنیوی انسان و حاصل ازدواج، فرزند صالح است. در روایتی از امام صادق(ع) به نقل از رسول خدا (ص) نقل شده که: «فرزند صالح گلی از گلهای بهشت

است.^۶ این دید دقیقاً همین مبنای سرمایه نگرانه را به فرزند داشته و فرزند را به عنوان ذخیره دنیوی و اخروی میداند. این حقیقت در کلام امام سجاده(ع) به طور کامل متجلی می باشد:

«اللَّهُمَّ وَ مَنْ عَلَى بَقَاءِ وُلْدِي وَ بِإِصْلَاحِهِمْ لِي وَ بِإِمْتَاعِي بِهِمْ^۷ اِی خدایند، بر من احسان کن و فرزندانم را برایم باقی گذار و شایستگیشان بخش و مرا از ایشان بهره مند گردان.»

در ادامه حضرت فرزند را مایه توانمندی و رفع گرفتاریهای والدین و به نوعی مایه زینت محضر پدر و مادر بیان می کنند.

«اللَّهُمَّ اشْدُدْ بِهِمْ عَضْدِي وَ اَقِمْ بِهِمْ اُودِي وَ كَثِّرْ بِهِمْ عَدَدِي وَ زَيْنْ بِهِمْ مَحْضَرِي^۸ بار خدایا، بازوی من به نیروی فرزندانم توانا گردان و به آنان، نابسامانیهای من به سامان آور و به ایشان، شمار یاران من فزونی ده و مجلس من به وجود ایشان بیارای»

فرزندانی که نام والدین را زنده نگه خواهند داشت و باقیات الصالحات برای آنها خواهند بود. و دیگر پدر و مادر نباید خیلی نگران دوران از کار افتادگی و کهنسالی خود باشند زیرا سرمایه عمر خود را در بهترین جا و برای بهترین عمل یعنی تربیت انسان صرف کرده و انسان واقعی تحویل اجتماع داده اند. انسانهایی که از سرچشمه محبت انسانی پدر و مادر سیراب شده و نتیجه اش سیلان این مهر و محبت در امتداد بقاء خانواده و اجتماع خواهد بود.

«وَ اُحْيِي بِهِمْ ذِكْرِي وَ اَكْفِنِي بِهِمْ فِي غَيْبِي وَ اَعِنِّي بِهِمْ عَلَى حَاجَتِي وَ اجْعَلْهُمْ لِي مُحِبِّينَ^۹ و نام من به ایشان زنده دار و در غیاب من ایشان را کارساز من گردان و به ایشان یاریم ده که بر حاجت خود دست یابم. ای خداوند، چنان کن که فرزندان من دوستدار من باشند و بر من مهر ورزند.»

فرزندانی که اطاعت از والدین خود را مایه افتخار و قرب به درگاه الهی می دانند.

^۶ - الکافی ج ۶، ص: ۳ إِنَّ الْوَلَدَ الصَّالِحَ رِبْحَانَةٌ مِنْ رَبَائِحِ الْجَنَّةِ

^۷ دعای ۲۵ صحیفه کامله سجاده، ص ۱۲۰، نشر الهادی، ۱۳۷۶

^۸ همان

^۹ همان

«وَعَلَىٰ حَدِيثِ حَدِيثِ مُقْبَلِينَ مُسْتَقِيمِينَ لِي مُطِيعِينَ غَيْرَ عَاصِينَ وَلَا عَاقِبِينَ وَلَا مُخَالَفِينَ وَلَا خَاطِئِينَ»^{۱۰} روی دلشان با من باشد و در یاری من پایدار باشند. فرمانبرداران من باشند نه عصیانگران و نه نافرمانان و نه مخالفان و نه خطاکاران.»

چنین نحوه از تربیت نیازمند یاری از سوی خداوند است و انسان برای این امر خطیر بعد از فراهم کردن مقدمات کار و کسب آگاهیهای لازم نیازمند استعانت و یاری طلبی واقعی از خداوند می باشد.

«وَأَعْنَىٰ عَلَىٰ تَرْبِيَّتِهِمْ وَتَأْدِيبِهِمْ وَبِرِّهِمْ»^{۱۱} بار خدایا، مرا به تربیت ایشان و تأدیب ایشان و نیکی و مهربانی در حق ایشان یاری فرمای.»

البته اینگونه نیست که تربیت و فرزند آوری و فرزند پروری همواره قرین مشکلات و سختیها باشد و تنها ثمره اش مربوط به آخرت باشد. بلکه فرزند همانگونه که در بیان نورانی اهل بیت(ع) هم آمده گلی بهشتی است و همه می دانیم که وجود گل در هر جایی مایه نشاط و شادابی است. خانه بدون فرزند خانه ای سوت و کور است و پدر و مادر شاید انگیزه چندانی برای زندگی نداشته باشند. وجود بچه مایه صفای دل می باشد. البته همانطور که قدما هم گفته اند: «فرزند عزیز است ولی تربیت او عزیز تر است».

جواب نقضی به این افراد

زندگانی حضرت زهرا(س) با توجه به اوضاع اقتصادی در صدر اسلام، و کمی امکانات حضرت(س) حتی در مایحتاج اولیه زندگی و سختیهای فراوان ایشان برای بحث فرزند پروری و روحیه ساده زیستی ایشان بهترین دلیل نقض این گونه بهانه ها می باشد. این در حالیست که حضرت زهرا(س) فرزند دلبنده اول شخص زمان خود بودند؛ ولی هیچگاه از این جایگاه خود بهره برداری اقتصادی نکردند. در سوره هل اتی و احادیث شأن نزول این آیات گوشه ای از اوضاع اقتصادی مردم آن زمان و وضعیت بیت علی و فاطمه(س) ، به صورت جالبی تصویر شده است.

^{۱۰} همان

^{۱۱} همان

پاسخ به چند شبهه دیگر

تا اینجا عملاً ما چندتا از شبهات را خلال مورد اول پاسخ داده ایم. اگر در بحث مسائل اقتصادی مشکل اعتقادی داریم آن را حل کنیم.

اگر مشکل تنبلی و کمی تلاش داریم نیز همچنین بر تلاشمان بیفزاییم. زیرا خود خداوند می فرماید: «وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَىٰ» (النجم، 39) و اینکه برای انسان جز آنچه تلاش کرده [هیچ نصیب و بهره ای] نیست، از دعا و توکل نیز غافل نشویم.

پاسخ به لذت گرایان

انسان باید لذتهای وجود فرزندان را لذت واقعی دانسته و همانگونه که فرزندان حضرت زهرا(س) زینت بخش محفل پدر و مادر و مایه روشنی چشم آنها بودند ما هم واقعاً این بها را به فرزندان خود بدهیم و از وجود آنها لذت ببریم. ضمن اینکه فرزندان مانع سایر لذتهای پدر و مادر نمی باشند و آنها می توانند با یک برنامه ریزی و هماهنگی با یکدیگر به سایر لذتهای حلال خود هم برسند. این یکی از مشکلات اساسی خیلی از زن و شوهرهاست که بخاطر عدم مدیریت، خود را از بسیاری از لذتها محروم کرده و متأسفانه این تفکر در سایر افراد هم رسوخ کرده و به نوعی به یک باور عمومی تبدیل شده که فرزندان مانع لذت جویی پدر و مادر می باشند. به نظر میرسد این مساله به خصوص در سالهای اول زندگی که زن و مرد نیاز بیشتری از لحاظ مسائل جنسی به هم دارند تا حدودی قابل حل باشد. هر چند فرزند داری و فرزند آوری هم اقتضائات خاص خود را دارد ولی با بیان هزینه و فایده ای که در بالا آمد و با طی صحیح مسیر تربیت فرزندان، تبعاً لذتهای بالاتری نصیب پدر و مادر خواهد شد که قابل مقایسه با لذتهای جنسی نیست. احتمالاً پدر بزرگها و مادر بزرگها حرف بنده را تصدیق کنند. زمانی که بسیاری از نیروهای جسمی انسان تحلیل می رود نگاه کردن انسان به ثمره های زندگی و به سر بردن با آنها و در کنار آنها بودن لذت سرشاری را نصیب انسان میکند.

لذت انسانهایی مانند فاطمه(س) در چیست؟ شاید کلی ترین و بهترین جوابی را که بشود به این سوال داد این است که: هر چیزی که بهتر جلوه های انسانی را متجلی و اطاعت از خالق را در پی داشته باشد. بیخود نیست هنگامی که زهرا(س) در محراب عبادت می ایستد نورش آسمانها و زمین را پر می سازد، بند بند وجودش از خشیت خداوند می لرزد و اینجاست که مهر تایید خداوند را می گیرد. «إِذَا قَامَتْ فِي مِحْرَابِهَا ظَهَرَ نُورُهَا لِلْمَلَائِكَةِ فَيَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ يَا مَلَائِكَتِي أَنْظِرُوا إِلَيَّ أُمَّتِي فَاطِمَةَ سَيِّدَةَ إِمَائِي بَيْنَ يَدَيَّ وَ هِيَ

تَرْتَعِدُ فَرَائِصَهَا مِنْ حَيْفَتِي وَ قَدْ أَقْبَلْتُ بِقَلْبِهَا عَلَى عِبَادَتِي أَشْهَدُكُمْ أَنِّي قَدْ آمَنْتُ شِيعَتَهَا مِنَ النَّارِ^{۱۲} هر گاه در محراب عبادت بایستد نورش برای فرشتگان آشکار شود سپس خدای عز و جل میفرماید ای فرشتگان من نگاه کنید به کنیزم فاطمه بزرگ و پیشوای کنیزها که در برابرم ایستاده او چطور از ترس من اندامش میلرزد او چگونه با دل و جان بعبادت و بندگی من رو آورده شما را گواه میگیرم که شیعیان او را از آتش ایمن قرار دادم» ما شاید نتوانیم عمق این لذت و حضور را درک کنیم. ولی چیزی که برای همه ما قابل درک است این است که لذتهای دیگری هم وجود دارند که می توانند اعماق وجودی انسان را متاثر ساخته و وجودش را لبریز از آن لذت نمایند. و ما هم برای این لذتها به اندازه توان خود اقدام نماییم.

عدم سازگاری فرزند با شوون اجتماعی

در مورد عدم سازگاری فرزند آوری زن با شوون اجتماعی زنان هم حضرت زهرا(س) بهترین پاسخ را با رساترین بیان به قرون و اعصار و همه زنان اعلام کرده اند. اگر بنا به کرامت خانوادگی و قومی و قبیله ای باشد، اگر بنا به موقعیت پدر و مادر باشد، اگر بنا به اصل و نسب باشد، اگر بنا به شهرت و شناختن دیگران از انسان باشد، اگر به لحاظ علم و آگاهی باشد، اگر ملاک ما ایمان و تقوا و ورع و تمامی مکارم اخلاق باشد، اگر سنجه و میزان ما الگو بودن برای سایر زنان باشد، فاطمه در همه اینها سر آمد است. حتی اگر بنا به جمال باشد. پیغمبر خدا(ص) فرمودند: «لو كان الحسن شخصاً لكان فاطمه^{۱۳}». اگر برای زیبایی تجسمی بود همانا فاطمه می شد. چه شده است زنانی که ادعای دینداری میکنند اینجا میخواهند از سیره فاطمه(س) عدول کنند؟ چه شده است که با ادعای شأن تراشی خود شانه از زیر بار این مسئولیت خالی می کنند؟ مگر حضرت فاطمه هیچ شأن اجتماعی نداشت؟! همان زنی که برای زنان نمی پسندید که در انتظار مردان باشد زمانی که احساس تکلیف کرد با رعایت همان حدودی که خداوند گذاشته بود در جامعه حاضر شد و به عهدی که مولایش داشت پایدار ماند و از همه اعتبارش در راه ولی خود هزینه کرد. مگر از فرزندى که در بطن خود داشت نگذشت؟ چه برای فاطمه با ارزش بود که آن را فدای بقای دین و ولایت حقه خداوند نکرد؟

^{۱۲} ارشاد القلوب دیلمی، ترجمه عبدالحسین رضایی، ج ۲، ص ۱۷۰، نشر اسلامیه، ۱۳۷۷

^{۱۳} عوالم العلوم و المعارف و الأحوال من الآیات و الأخبار و الأقوال، ج ۱۱، ص ۱۲۷

نگاهی گذرا به زندگی حضرت زهرا(س) در یک نکته خلاصه میشود: «وجاهدوا فی الله حق جهاده»^{۱۴} حضرت(س) با تمام وجود در این راه ایستاد و ثمره این جهاد بزرگ همان کوثری شد که خداوند خطاب به نبیش گفت: «انا اعطیناک الکوثر»^{۱۵}. فکر می‌کنم بیان کوثر که بیان یگانه ای در قرآن است فقط زینده یگانه دوران، یعنی حضرت فاطمه زهراست(س) نامی که بوسیله ذریه طیبه آن حضرت امتداد قرون و اعصار را درنوردیده است و هر چه فضائل در عرصه گیتی سایه گستر است نام یکی از اولاد و ذریه ایشان در آنجا خودنمایی می‌کند.

گریز روضه

حضرت زهرا(س) از وجود فرزندان خود برای مبارزات غیر مستقیم سیاسی خود نیز استفاده کردند، جایی که دست فرزندان خود را می‌گرفتند و به بیت الاحزان خود که در خارج از شهر برای گریه های زهرا(س) توسط علی بنا نهاده شده بود^{۱۶} می‌رفتند و با بردن این بزرگ زاده ها ندای مظلومیت خود را به عالمیان اعلام میکردند؟ همه حسین(ع) را می‌شناختند، همان حسینی که او را بارها بر سر و دوش پیامبر(ص) دیده بودند و دیده بودند که پیامبر بر لب و دهان او بوسه میزدند، حالا این حسین همدم ناله های مادری شده است که از یک طرف داغدار مرگ پدر است و از طرفی غصه دار غصب خلافتی که حق آنها بود.....

الا لعنه الله علی القوم الظالمین

^{۱۴} حج، ۷۸

^{۱۵} کوثر، ۱

^{۱۶} بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار عليهم السلام، ج ۴۳، ص ۱۷۴